Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20816.1429
(Research Article)

# of level the at personality of model humanization The Quran Holy the on based civilization Islamic

Alireza Nobari *
Hamed Bayat **

Received on: 06/11/2025
Accepted on: 03/05/2026

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to answer the question, "What is the humanization model of personality in the Islamic civilization from the perspective of the Holy Quran?"
Methodology: The present research is a library-documentary study in terms of data collection. The population under analysis was all verses of the Holy Quran, and initially the relevant verses were extracted from these sources and then analyzed in detail based on the analytical units of this study, namely: related words, topics, and phrases. Quantitative and qualitative content analysis methods were used to analyze the themes.
Findings: The research findings can be summarized in several points:

1. The study of verses regarding faith indicates a trajectory based on which these verses can be organized in three stages: contextual variables, behaviors of the faithful personality, and results, and an appropriate model can be extracted.
2. Verses regarding faith from the perspective of the Holy Quran are divided into three categories: contextual variables (16%), behaviors of the believing personality (60%), and results (24%), with the highest frequency of verses related to the second category. The third category was not refined in the present study due to its exclusion from the discussion, and only the first and second categories were explained and examined as the first (21%) and second (79%) stages. The abundance of verses related to the second stage may indicate that, given that the realm of human action, unlike the realm of human psychological issues, is extensive and visible, therefore, in order to identify believers from non-believers, it is necessary for the Quran to explain many practical indicators in order to be able to recognize a believer.

* Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Islamic Education and Thought, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
a.nobari@ut.ac.ir 0000-0003-2012-1371
** PhD student in Quranic and Hadith Studies, Faculty of Islamic Studies and Thought (Tehran University teacher), Tehran University, Tehran, Iran.
hamedbayat@ut.ac.ir 0009-0003-4837-6509

Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.20816.1429
(Research Article)

3. Based on the analyses, the first stage, from the perspective of the Holy Quran, was identified as including the following contextual variables: cognitive (57%), emotional (6%), and volitional (37%). It seems that the reason for the abundance of cognitive variables is that presenting correct thinking and establishing such thinking in the audience is the main context for forming a faithful individual and social personality, because faith is essentially a cognitive substance and is associated with knowledge and the need for knowledge. Therefore, one should focus maximally on cognitive variables. According to the Holy Quran, at this stage, in order to cultivate a believing personality, one should provide the following variables: cognitive (maximum focus on faith in God, prophets, divine books, and the resurrection), emotional (maximum focus on fear of God), and volitional (maximum focus on obedience to divine prophets and God).
4. In the second stage, learners need guidance in carrying out behaviors, and these behaviors and the priority of each of them over the other must be understood in order to guide the learners appropriately. The Holy Quran has reflected these behaviors in seven dimensions: cultural (50%), political (17%), economic (10%), military-organizational (9%), family (3%), thought-based (8%), and emotion-based (3%). According to the Quran, at this stage, the student should be guided towards behaviors, the most important of which are cultural behaviors (with maximum focus on doing good deeds, observing piety, performing prayers, being patient, speaking the truth) and political behaviors (with maximum focus on enjoining good and forbidding evil, political stability, enduring political hardships, and not taking the infidels as guardians). The maximum focus on cultural and political behaviors indicates that this community seeks to achieve a pious community. It also indicates that the greatest difference between a believing and pious community and a hypocritical and infidel community lies in cultural and political behaviors.

Conclusion: The Holy Quran, as the last and most comprehensive book of guidance for people and societies, has presented the best ideas and programs in various fields. How to educate a person who builds Islamic civilization, that is, a believer, is one of the fields in which the Holy Quran has provided a model in this regard. Based on this model, legislators and executive officials should focus their greatest attention on epistemological variables (maximum focus on teaching and educating the three principles: monotheism, prophecy, and resurrection) in order to create variables that create the basis for educating a faithful personality. In the behavioral stage, people should also focus their efforts on cultural dimensions (maximum focus on doing good deeds, observing piety, performing prayers, being patient, speaking the truth) and political dimensions (with maximum focus on enjoining good and forbidding evil, political stability, enduring political hardships, and not taking infidels as guardians).

Keywords: Islamic civilization, pious personality, believer in the Quran, humanization model

دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی
دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)،پاییز و زمستان ۱۴۰۵، صص ۱۵۱- ۱۸۰
DOI: 10.22070/nic.2026.20816.1429
مقاله پژوهشی

مدل انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم

علیرضا نوبری *
حامد بیات **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳

چکیده

یکی از ملزومات بنیادین دستیابی به تمدن اسلامی، تربیت «شخصیت تراز تمدن اسلامی» است؛ شخصیتی که بتواند ارزش‌ها، آرمان‌ها و رفتارهای متناسب با جامعهٔ اسلامی را در سطوح فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تحقق بخشد. در این راستا، شناخت مدل تربیت این شخصیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین منبع تربیتی و مدیریتی در نظام اسلامی، ظرفیت آن را دارد که الگوی انسان تمدن‌ساز را براساس آموزه های ایمانی تبیین کند. پژوهش حاضر با هدف استخراج مدل تربیت شخصیت تراز تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم، آیات مربوط به ایمان را با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای ـ اسنادی در گردآوری داده‌ها و روش تحلیل محتوای کمّی و کیفی در تحلیل مضامین، بررسی کرده است. در مرحلهٔ نخست، همهٔ آیات مرتبط با ایمان استخراج شده و در نرم‌افزار اِکسل ثبت و کدگذاری شده و سپس به دو دستهٔ «متغیرهای بسترساز» و «رفتارهای شخصیت مؤمنانه» تقسیم گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مرحلهٔ بسترسازی، متغیرهای معرفتی (غالباً ایمان به خدا، پیامبران، کتاب های الهی و معاد)، عاطفی (غالباً خوف از خداوند) و رفتاری (غالباً اطاعت از خدا و پیامبران) نقش بنیادین دارند. در مرحلهٔ بروز رفتار نیز مؤمن تمدن‌ساز بیشتر در دو عرصهٔ فرهنگی و سیاسی نمود می‌یابد: در عرصهٔ فرهنگی غالباً با عمل صالح، تقوا، نماز، صبر و سخن گفتن درست، و در عرصهٔ سیاسی با امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم، تحمل سختی‌ها و ولایت‌ناپذیری کفار. نتیجهٔ پژوهش بیانگر آن است که قرآن کریم واجد مدل جامع و کارآمدی برای تربیت شخصیت تراز تمدن اسلامی است که بر پایهٔ ایمان، معرفت و عمل صالح سامان می‌یابد.

کلمات کلیدی: تمدن اسلامی، شخصیت مؤمنانه، مؤمن در قرآن، مدل انسان‌سازی

* استادیار گروه مدرسی معارف قرآن و حدیث، دانشکدهٔ معارف و اندیشهٔ اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسندهٔ مسئول).
a.nobari@ut.ac.ir 0000-0003-2012-1371
** دانشجوی دکتری مدرسی معارف قرآن و حدیث، دانشکدهٔ معارف و اندیشهٔ اسلامی (مدرس دانشگاه تهران)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hamedbayat@ut.ac.ir 0009-0003-4837-6509

بیان مسئله

مسئلهٔ محوری در مطالعات تمدنی، تربیت نیروی انسانی متناسب با آرمان‌های یک تمدن است؛ زیرا ساختارهای عینی هر تمدنی بر پایهٔ «انسان مطلوب» آن بنا می‌شود. تمدن اسلامی نیز برای تحقق و تداوم خود نیازمند پرورش «انسان تمدن‌ساز اسلامی» است که حامل ارزش‌ها و بینش‌های قرآنی باشد. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، فهم و ارائهٔ مدل انسان‌سازی جامع شخصیت تراز تمدن اسلامی صرفاً براساس قرآن کریم است. این مدل باید بتواند الگوی تربیتی روشنی را برای جوامع اسلامی در مسیر دستیابی به تمدن اسلامی فراهم آورد. با وجود تلاش‌ها برای شکل‌گیری نظام‌های اسلامی معاصر، تمرکز اصلی اغلب بر جنبه‌های مادی، حکومتی و ساختاری بوده و از ابعاد اساسی تمدن‌سازی، یعنی ابعاد معرفتی، فرهنگی و شخصیتی، غفلت شده است. تمدن اسلامی صرفاً با اسلامی‌سازی نهادها محقق نمی‌شود، بلکه در گرو پرورش انسانی مؤمن، فعال، آگاه و موحد است که بتواند ارزش‌های الهی را در جامعه متجلی سازد. ازاین‌رو پرسش اصلی این است: «مدل انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی از نظر قرآن کریم چگونه است؟» قرآن کریم به‌عنوان منبع اصیل و مشترک مسلمانان، قابلیت ارائهٔ الگویی جامع و بدون سوگیری از این شخصیت را دارد. تحلیل علمی و منظم آیات مربوط به ایمان و ویژگی‌های مؤمنان، کلید استخراج ابعاد شخصیتی، رفتاری و اعتقادی انسان تمدن‌ساز است. بنابراین پژوهش حاضر ضروری است و ضرورت آن از چند جهت قابل‌تبیین است: الف) ضرورت نظری: فقدان یک مدل قرآنی جامع سبب پراکندگی دیدگاه‌ها شده است. این پژوهش به دنبال ارائهٔ الگوی نظری واحدی برای تربیت شخصیت مؤمنانهٔ تمدن‌ساز است. ب) ضرورت عملی و تمدنی: تحقق تمدن اسلامی مستلزم تربیت انسان‌های تمدن‌ساز است و نظام‌های آموزشی نیازمند الگویی روشن و مستند از منبع وحی هستند. ج) ضرورت روشی: استفاده از روش تحلیل محتوای کمّی و کیفی آیات ایمان، دقت علمی را افزایش می‌دهد و از تفاسیر شخصی جلوگیری می‌کند. د) ضرورت دینی و فرهنگی: در مواجهه با چالش‌های هویتی معاصر، بازگشت به وحی برای بازتعریف انسان مطلوب اسلامی و بازسازی شخصیت ایمانی حیاتی است.

درنهایت، این پژوهش با تحلیل آموزه‌های قرآنی دربارهٔ «ایمان» به‌مثابهٔ بنیاد شخصیت مؤمنانه، مدل انسان‌سازی تراز تمدن اسلامی را استخراج می‌کند تا مبنایی نظری را برای نظام‌های تربیتی آتی فراهم آورد.

۱. پیشینهٔ تحقیق

تحقیقات موجود در حوزهٔ «مدل انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم» اغلب جزئی و بخشی از منظومهٔ تربیت قرآنی هستند و فاقد رویکردی تلفیقی و تمدن‌محورند. برای مثال، در پژوهشی مانند «سبک زندگی اجتماعی جامعهٔ ایمانی با محوریت سورهٔ حجرات» (محمدی، ۱۳۹۸)،

سورهٔ حجرات به‌مثابهٔ منشور اخلاقی جامعهٔ مؤمنان بررسی شده و تعاملات مؤمنان در بستر ارتباط اجتماعی تحلیل گردیده است. نقطهٔ قوت این اثر، توجه به اخلاق ارتباطی ایمان است، اما ضعف آن فقدان پیوند میان سبک زندگی ایمانی و ساخت شخصیت تمدن‌ساز در نظام اجتماعی اسلام است. مقالهٔ «تحلیل بسترهای ایمان از منظر قرآن» (احمدی، ۱۴۰۰) ایمان را به‌عنوان متغیر معرفتی تفسیر کرده است. این پژوهش با عمق کلامی به ساختار معرفتی ایمان پرداخته، اما از زاویهٔ تربیتی و رفتار تمدنی ناتمام است و الگوی تربیتی استخراج‌شده جنبهٔ کاربردی ندارد. تحلیل «سبک زندگی ایمانی در پرتو قرائت مضمونی و ساختاری سورهٔ حجرات مبتنی‌بر معناشناسی ایمان و کفر» (موسوی، ۱۳۹۹) با روش معناشناسی تطبیقی، مرزهای ایمان و کفر را در تعاملات اجتماعی مشخص کرده، اما با تمرکز بر یک سوره، از ارائهٔ یک مدل جامع ناتوان مانده و ابعاد مختلف شخصیت تمدن‌ساز را یکپارچه نکرده است. پژوهش‌های دیگری مانند «تحلیل روان‌شناختی کارکرد ایمان در ساخت شخصیت بر مبنای آموزه‌های قرآنی» (رضایی، ۱۳۹۷) نیز ابعاد درونی ایمان و اثرات آن بر روان انسانی را بررسی کرده‌اند، اما فردمحورند و فاقد تبیین جنبهٔ تمدنی و اجتماعی شخصیت مؤمنانه‌اند. مقالاتی مانند «عناصر بنیادین اخلاق فردی و روان‌شناسی در ساخت انسان تمدن‌ساز» (حیدری، ۱۴۰۰) و «شاخصه‌های مؤمنین در مسیر احیای سبک زندگی اسلامی براساس بیانیهٔ گام دوم انقلاب» (طباطبایی، ۱۳۹۸) با وجود تبیین نقش اخلاق و ایمان در تحول اجتماعی، همچنان در سطح نظری باقی مانده و فاقد روش‌شناسی داده‌محور قرآنی بوده‌اند.

نقد مشترک بر این مجموعه‌تحقیقات فقدان الگویی روشمند برای تربیت شخصیتی هم‌سطحِ تمدن اسلامی است. پژوهش حاضر قصد دارد با ترکیب تحلیل کمّی و کیفی آیاتِ ایمان و دسته‌بندی دومرحله‌ای (بسترسازی و صدور رفتار)، این شکاف علمی را پر کند و الگوی قرآنی قابل‌اجرایی را برای تربیت انسان تمدن‌ساز ارائه دهد؛ الگویی که بتواند ابعاد معرفتی، عاطفی و رفتاری ایمان را با کارکردهای فرهنگی و سیاسی تمدن اسلامی به‌شکلی منسجم پیوند دهد.

۲. چهارچوب مفهومی

۲-۱. تمدن اسلامی

واژهٔ «تمدن» در لغت یا از ریشهٔ «مَدَنَ» به معنای «اقامت گزیدن» است (ابن‌منظور، ١٤١٤، ج۱۳، ص٤٠٢) که ازاین‌رو شهر را مدینه اطلاق می‌کنند؛ زیرا مردم آنجا را محل زندگی خود انتخاب کرده‌اند (جلالی، ١٤٠٢، ص٢٢٧) یا از ریشهٔ «دَین» به معنای «تخلق به آداب و اخلاق اهل شهر» است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱۱، ص۵۷). تمدن در اصطلاح، هماهنگی در روابط اجتماعی انسان‌هاست که تزاحمات ویرانگر را از بین می‌برد و مسیر رشد و شکوفایی استعدادهای سازنده را هموار می‌سازد

(جعفری، ۱۳۷۵، ج٦، ص۲۳۳-٤١٦). تمدن اسلامی نیز از نوع تمدن‌های یکجانشینی و ایدئولوژیکی، به مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی اطلاق می‌شود که جامعهٔ اسلامی را به‌سوی کمال رهنمون می‌سازد (جان‌احمدی، ۱۳۹۳، ص۵۲). این فضا به انسان اجازه می‌دهد تا هم‌زمان در بُعد مادی و معنوی رشد کند، به غایت خلقت دست یابد و زندگی عزتمندانه‌ای همراه با قدرت، ابتکار و سازندگی در جهان طبیعت داشته باشد (خامنه‌ای، ١٣٩٢/٦/١٤).

۲-۲. شخصیت مؤمنانه

«شخصیت» در لغت به معنای «شرافت»، «منش» و «مرتبه» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۹، ص١٤١٨٣). در روان‌شناسی، شخصیت ترکیبی از ویژگی‌های روانی، بدنی، زیستی و اجتماعی افراد است که به‌تدریج برای اشخاص حاصل می‌شود و بر رفتار و احساسات او اثر می‌گذارد (محسنی، ۱۳۵۷، ص٤٤٧). اما واژهٔ «ایمان» از مادهٔ «اَمن» به معنای «اطمینان نفس»، «زوال خوف» و «تصدیق» است (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ص۲۵). در معنای قرآنی، ایمان شامل سکون و زوال خوف و وحشت است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۱، ص١٦٤). مهم‌ترین بن‌مایهٔ اصلی واژهٔ ایمان در قرآن کریم، اعتقاد قلبی به امر قدسی در برابر طبیعت است (نصیری، ۱۳۹۳، ص٥٤). ایمان موردنظر دین اسلام صرفاً اعتقاد باطنی به امر قدسی نیست، بلکه این اعتقاد باید به اعمال جوارح منتهی شود (طباطبایی، ١٤١٧ق، ج١٦، ص٣١٤). بنابراین «شخصیت مؤمنانه» ترکیبی از ویژگی‌های روان‌شناختی، جسمانی و اجتماعی فرد مؤمن است که به‌تدریج برای وی حاصل می‌شود و رفتار و احساسات او را بر پایهٔ اعتقاد قلبی و عمل صالح بنا می‌نهد و در محیط پیرامونش متجلی می‌سازد.

۳. روش تحقیق

در این مقاله، از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل محتوا به‌عنوان روشی پیام‌محور، به دنبال جست‌وجو و کشف معانی و زوایای پنهان پیام است. هدف به‌کارگیری این روش، شناسایی ارزش‌ها، اهداف، تمایلات و فرهنگ نویسندهٔ متن یا فرد مصاحبه‌شونده است. تحلیل محتوا دو رویکرد کمّی و کیفی دارد. هدف تحلیل محتوای کمّی، شمارش داده‌های ارتباطی در قالب آمار و ارقام از متون است. انتقاد وارده بر تحلیل محتوای کمّی این است که تکرار همیشه بیانگر اهمیت نیست و منحصر کردن توجه به بُعد کمّی و غفلت از سایر ابعاد، سبب از بین رفتن ارزش پیام و اطلاعات ترکیبی می‌شود. در تحلیل محتوای کیفی نیز محقق به تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای کمّی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوها می‌پردازد و بر

مضامین نهان متن تمرکز دارد (نوبری و بیات، ۱٤۰۳، ص۷). بنابراین در تحقیق پیش‌رو، از هر دو رویکرد تحلیل محتوا برای به حداقل رساندن کاستی‌های احتمالی استفاده شده است. ابتدا آیات مرتبط با شخصیت مؤمنانه که واژگان «مؤمن» و «ایمان» در آن‌ها به کار برده شده و دربارهٔ مؤمنان به خداوند بود، از قرآن کریم جمع‌آوری شد و پس از بررسی کافی، موضوع اصلی و فرعی هریک از آیات استخراج و کدبندی گردید و در نرم‌افزار اِکسِل وارد شد. این آیات از ۵۸ سوره استخراج شدند که تعداد آن‌ها ۳۷٦ آیه بود. آیات مد نظر در دو دستهٔ متغیرهای بسترساز تربیت شخصیت مؤمنانه و رفتارهای شخصیت مؤمنانه قرار داده شدند. دستهٔ اول شامل متغیرهای معرفتی، عاطفی و رفتاری و دستهٔ دوم شامل رفتارهای فرهنگی، رفتارهای سیاسی، رفتارهای اقتصادی، رفتارهای نظامی ـ انتظامی، رفتارهای خانوادگی، رفتارهای مبتنی‌بر تفکر و عاطفه است. زیرمجموعه‌های این دو دسته، موضوعات اصلی هریک از آیات مربوطه است که در ادامه پس از بررسی و یکسان‌سازی موارد هم‌مضمون، موضوعاتی فرعی برای این موضوعات اصلی به دست آمد که همگی کدگذاری شدند. پس از طی مراحل قبلی، با شمارش تعداد عبارات هر موضوع اصلی و فرعی، تحلیل محتوای کمّی صورت گرفت و براساس آن، نمودارهای میزان فراوانی مربوط به هریک از موضوعات فرعی به دست آمد. سپس به تحلیل کیفی نمودارها پرداخته شد. در پایان نیز براساس داده‌های یافت‌شده، الگوی ایجاد شخصیت مؤمنانه در افراد و رفتارهای شخصیت مؤمنانه در جامعهٔ اسلامی ترسیم گردید. برای اطلاع از پایایی مسئلهٔ تحقیق براساس روش تحلیل محتوا، در ادامه نمونه‌ای از روند کار نمایش داده شده است:

جدول ۱: نمونه‌ای از روند پژوهش

سوره/ آیه	متن آیه	ترجمه	مرحله مربوطه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	توضیحات	کد
نساء/۵۹	يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ في شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْويلا	ای اهل ایمان! از خدا و از پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی نزاع داشتید، آن را اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این کار برای شما بهتر واز نظر عاقبت نیکوتر است.	مرحله اول	متغیر بسترساز رفتاری	اطاعت از اولیای الهی	اطاعت از (اولی‌الامر) بنابر روایات، ائمه (ع) هستند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، باب فرض طاعة الائمه (ع)؛ سیوطی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۱۰۵) بنابراین یکی از صفات مؤمن این است که از ائمه (ع) اطاعت میکند.	A-raf-eo1

در توضیح روند پژوهش و جدول مربوطه گفته می‌شود که ابتدا آیات مرتبط با شخصیت مؤمنانه که واژگان «مؤمن» و «ایمان» در آن‌ها به کار برده شد و دربارهٔ مؤمنان به خداوند بود، از قرآن کریم جمع‌آوری شد. سپس براساس نظر کارشناسان تفسیر و نویسندگان، این آیات در دو مرحله تقسیم شدند. سپس برای هریک از آیات مربوطه، براساس تقسیم‌بندی‌های علمی، زیرمجموعه‌هایی نوشته شد که موضوعات اصلی آیات شدند. سپس برای هریک از آیات باتوجه‌به کتب لغت، تفاسیر مربوطه، روایات و مقالات و کتب موجود در این زمینه، موضوعی فرعی انتخاب شد و توضیحاتی که از منابع پیش‌گفته به دست آمده بود، در قسمت توضیحات نوشته شد و سپس با توجه به عناوین اصلی و فرعی آیات، کدی برای آن اختصاص یافت. سپس میزان فراوانی و درصد هریک از متغیرهای اصلی و فرعی به دست آمد. درنهایت، باتوجه‌به این میزان فراوانی، تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت. ذکر این نکته نیز ضروری است که به‌علت طولانی و زیاد بودن این آیات، سعی شد فراوانی هریک از موضوعات اصلی و فرعی بیان شود تا مقالهٔ پیش‌رو گسترده نگردد.

٤. یافته‌های پژوهش

قرآن کریم به‌عنوان یکی از منابع بیانگر شیوهٔ صحیح و معقولانهٔ زندگی فردی و اجتماعی، آموزه‌هایی را دربارهٔ متغیرهای بسترساز ایجاد شخصیت مؤمنانه و شیوهٔ زندگی این نوع شخصیت بیان کرده است. این آیات در دو مرحله (متغیرهای بسترساز تربیت شخصیت مؤمنانه و رفتارهای شخصیت مؤمنانه) قرار داده شده‌اند. در ادامه، نمودار فراوانی این دو مرحله آمده است:

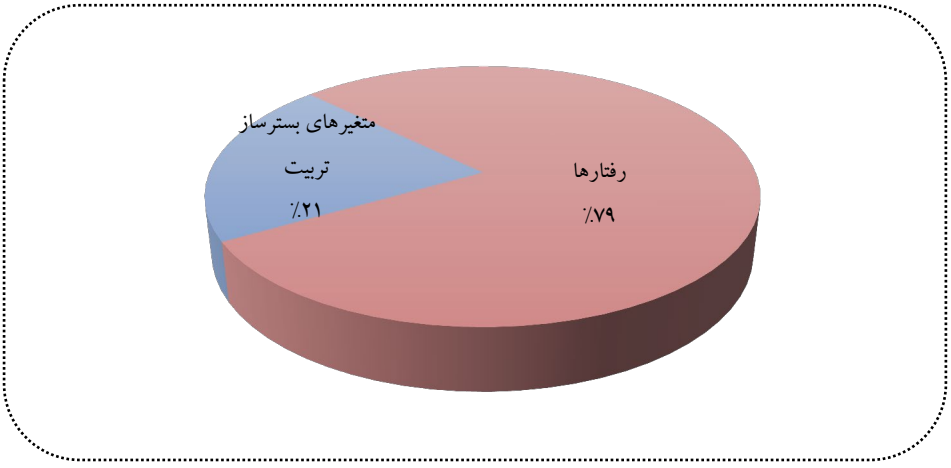

نمودار ۱: فراوانی مراحل دوگانهٔ آیات ایمان

باید توجه داشت که برخی آیات بین این دو مرحله مشترک هستند. تفاوت در فراوانی آیات قرآن در این دو مرحله از یک سو نشان‌دهندهٔ تأکید ویژه بر جنبه‌های عملی ایمان است؛ زیرا تحقق عملی دشوارتر است. بنابراین خداوند با بیان تفصیلات گوناگون، اجرای آن را آسان می‌سازد. ازسوی‌دیگر، باتوجه‌به اینکه اعمال مؤمن تحت تأثیر شرایط متغیر زمانی، مکانی و توانایی‌های فردی قرار دارد (محدثی، ۱۳۸۸، ص۸)، لازم است خداوند احکام عملی متفاوت و متعددی را در سرتاسر قرآن توضیح دهد تا مؤمنان شناسایی شوند و امکان تحقق تمدن اسلامی فراهم گردد.

٤-١. متغیرهای بسترساز تربیت شخصیت مؤمنانه

مقصود از این مرحله، تبیین متغیرهایی است که بستر تربیت شخصیت مؤمنانه‌اند. انسان وقتی با موضوعی روبه‌رو شده و خواستار ارتباط با آن است، ارتباطش سه جنبهٔ متفاوت دارد: ۱. ابتدا آن را می‌شناسد (بُعد معرفتی)؛ ۲. سپس از آن متأثر می‌شود (بُعد عاطفی)؛ ۳. نهایتاً دربارهٔ اخذ یا رها کردن آن تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند (بُعد رفتاری) (سراج‌زاده، ١٣٩٦، ص٥٠). بنابراین در پژوهش حاضر، متغیرهای بسترساز تربیت شخصیت مؤمنانه به سه قسمت متغیرهای معرفتی، عاطفی و رفتاری تقسیم شده‌اند. در نمودار زیر، فراوانی هریک از این سه دسته نشان داده شده است:

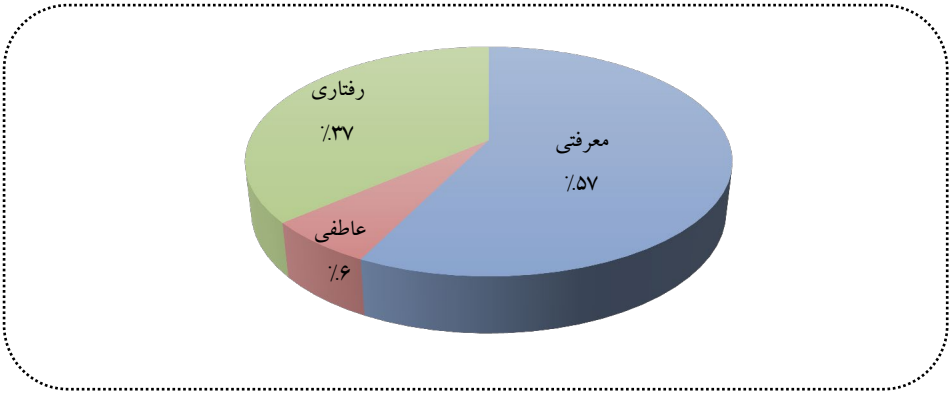

نمودار۲: فراوانی متغیرهای بسترساز تربیت شخصیت مؤمنانه

تحلیل این نمودار بر سه محور اصلی فلسفی و معرفتی، عاطفه و رفتار تأکید دارد. محور معرفتی در این نمودار به‌عنوان محور اصلی تربیت مؤمنانه در نظر گرفته شده است. تمرکز بسیار زیاد آیات قرآن بر این محور نشان می‌دهد که ایمان ذاتاً جوهری معرفتی است و بدون علم و شناخت صحیح، دوام نمی‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج۱، ص٢٣٤). تثبیت مبانی فکری مخاطب پیش‌شرط لازم برای پایداری ابعاد

دیگر (مانند احساسات و رفتار ایمانی) است. محور عاطفی به‌عنوان حلقهٔ وصلی عمل می‌کند که شناخت را به عمل تبدیل می‌سازد. تأکید شده است که عواطف باید بر پایه‌های محکم معرفت صحیح بنا شوند تا انسان دچار نوسان نشود. سهم عددی کمتر این متغیر در نمودار به این دلیل است که عواطف صرفاً یک لایهٔ جداگانه نیستند، بلکه «محرک رفتار» و «حلقهٔ ارتباطی» میان شناخت و عمل محسوب می‌شوند. محور رفتاری نیز تجلی بیرونی ایمان است. موفقیت تربیت ایمانی منوط به تبدیل باور به مرحلهٔ عمل است، همان‌طور که در آیات بسیاری (کهف: ۲، ۳۰ و ۱۰۷) بر ملازمت ایمان و عمل صالح تأکید شده است. تأکید زیاد بر این متغیرها در مرحلهٔ اولیه که بیشتر جنبهٔ فردی دارد، نشان‌دهندهٔ اهمیت ظهور ایمان در جهان خارج برای نگه داشتن فرد در مسیر حقیقت است.

٤-١-١. متغیرهای بسترساز معرفتی

متغیرهای بسترساز معرفتی یعنی متغیرهای شناختی‌ای که نقشِ مهم‌ترین بستر تربیت شخصیت مؤمنانه را دارند. در ادامه، فراوانی این متغیرها نمایش داده شده است.

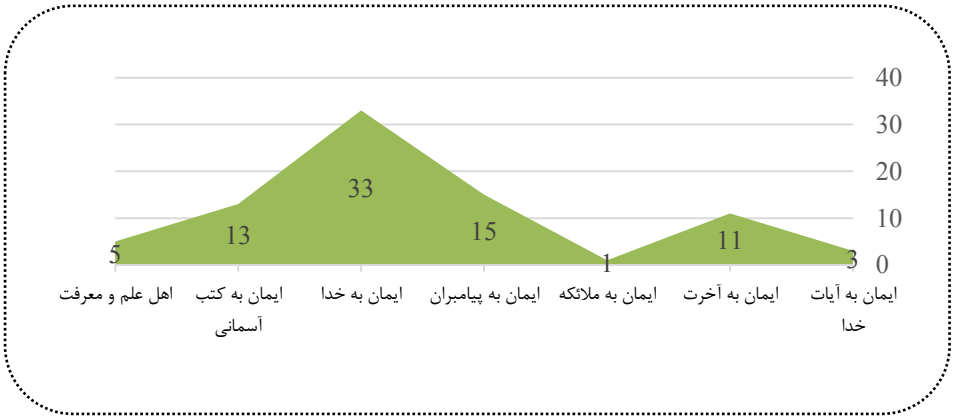

نمودار۳: فراوانی متغیرهای بسترساز معرفتی

براساس تحلیل آماری ارائه‌شده، مهم‌ترین اصول دینی در متن موردنظر به ترتیبِ فراوانی عبارت‌اند از: ایمان به خدا (٤١درصد)، پیامبران (١٨درصد)، کتاب آسمانی (١٦درصد) و آخرت (١٤درصد). این چهار اصل، محور اصلی اعتقادات اسلامی (توحید، نبوت و معاد) را تشکیل می‌دهند. از این یافته چند نکته برداشت می‌شود: ۱. تمرکز بر اصول بنیادین: برای ساختن شخصیت مؤمنانه باید بیشترین تمرکز بر ایمان به خدا، پیامبران و معاد باشد. ۲. اهمیت توحید: ایمان به خدا بنیان سایر اصول عقیدتی است (سیدان،

۱۳۸۰، ص۲۵) ۳. تلازم نبوت و کتاب: نزدیکی فراوانی ایمان به پیامبران و کتب آسمانی نشان‌دهندهٔ این است که ایمان به یکی بدون دیگری بی‌معناست. ۴. هدف نهایی: نزدیکی فراوانی ایمان به آخرت با نبوت و کتاب‌ها حاکی از آن است که هدف اصلی ارسال پیامبران و کتب، هدایت انسان برای رستگاری در آخرت است که این رستگاری نیازمند عبودیت است. همان‌طور که آیات ۵۵ تا ۶۰ سورهٔ ذاریات تأکید دارند، هدف خلقت انسان عبودیت و دستیابی به رستگاری در قیامت است، نه صرفاً مسائل مادی دنیوی.

٤-١-٢. متغیرهای بسترساز عاطفی

متغیرهای بسترساز عاطفی به متغیرهای تأثری و انفعالی‌ای گفته می‌شوند که رابط بین معرفت و رفتار شخصیت مؤمنانه‌اند. در ادامه، فراوانی این متغیرها نمایش داده شده است:

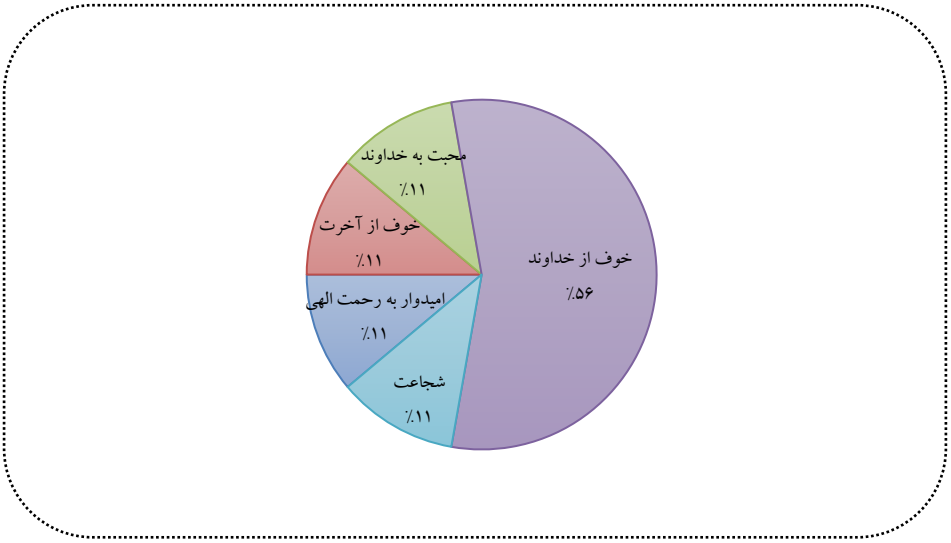

نمودار٤: فراوانی متغیرهای بسترساز عاطفی

در قرآن، «خوف» در مقابل «امن» قرار دارد و به معنای «توقعِ معتبرِ ضرر مشکوک» است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج۳، ص۱٦۱). «خوف از خدا» ترسی منفی نیست، بلکه نگرانی فرد از تهدید الهی است که دو کارکرد اصلی تقویت انگیزه برای رسیدن به هدف (رضای خدا) و بازداری از ارتکاب گناه را همراه دارد (خلیلیان شلمزاری و همکاران، ۱۳۹۷، ص۳۵). فراوانی بالای «خوف از خدا» در قرآن کریم به‌عنوان متغیر بسترساز شخصیت مؤمن بر چند نکته تأکید دارد: ۱. مسئولیت‌پذیری و وجدان: این خوف حسی آمیخته با آگاهی است که فرد را از گناه بازمی‌دارد. ۲. خودنظم‌دهی اخلاقی: خوف از خدا

مکانیسمی درونی برای مهار غرایز و کنترل رفتار فراهم می‌کند و اصلی‌ترین بستر خودکنترلی از درون است. خوف از خدا و آخرت همسویی معنایی بسیاری با انذار دارد. انذار به‌عنوان روشی درمان‌گرایانه برای اصلاح شخصیت‌های غیرمؤمن، در مقابل تبشیر قرار می‌گیرد که شبیه پیشگیری از بیماری است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۶، ص۳۷۵). حال برای ایجاد شخصیت مؤمنانه در جامعه‌ای ـ حتی در جامعهٔ اسلامی ـ که شخصیت مردم آن غالباً غیرمؤمنانه است، باید از روشی درمان‌گرایانه بهره برد که انذار روشی درمان‌گرایانه است. بنابراین تأکید بسیار قرآن بر روش انذار ـ که غالب این آیات مدنی هستند ـ در مقابل دیگر متغیرهای بسترساز عاطفی تبشیری توجیه‌پذیر است. ازآنجاکه ساختار جوامع اغلب نیازمند اصلاح است، تأکید قرآن بر انذار، به‌ویژه در آیات مدنی، توجیه‌پذیر است. البته باید این نکته را مد نظر داشت که تأکید هم‌زمان بر محبت به خداوند، امیدواری و شجاعت برای متعادل‌سازی خوف و جلوگیری از یأس ضروری است. درنتیجه، شخصیت مؤمن تربیت‌یافته ابتدا توسط خوف از خدا منضبط می‌شود و سپس با شجاعت (ترس نداشتن از غیر خدا) و امید، پویایی رفتاری خود را حفظ می‌کند. پس به‌طورکلی این نظام بیشتر یک تربیت مبتنی‌بر مراقبت را بیان می‌دارد و نظام مبتنی‌بر عشق یا عرفان را رد می‌کند.

٤-١-٣. متغیرهای بسترساز رفتاری

متغیرهای بسترساز رفتاری به معنای متغیرهای رفتاری‌ای هستند که نشانگر وجود مراتب اولیهٔ ایمان فرد در خارج‌اند و فرد را در مدار حقیقت نگه می‌دارند و از انحراف بازمی‌دارند. فراوانی هریک از این متغیرها به‌شکل زیر است:

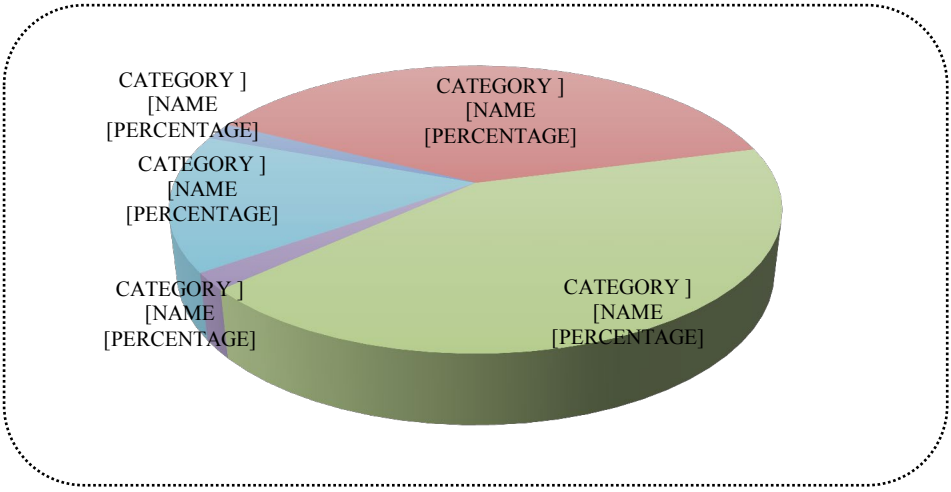

نمودار۵: فراوانی متغیرهای بسترساز رفتاری

بیشتر این آیات بیانگر متغیرهای بسترساز رفتاری مؤمن بر اطاعت از پیامبران الهی (٤٢درصد) و اطاعت از خداوند (٣٩درصد) هستند. این امر پیش‌بینی‌پذیر است؛ زیرا در متغیرهای معرفتی نیز آیاتِ بسیاری بر ایمان به خداوند و پیامبران الهی تمرکز داشتند. بنابراین در مقام عمل نیز باید این دو متغیر بیشترین آیات را داشته باشند. همچنین این دو متغیر ریشهٔ رفتارهای دیگر محسوب می‌شوند. نزدیکی فراوانی این دو متغیر بدین دلیل است که اطاعت از پیامبران تجلی بیرونی اطاعت از خداست؛ زیرا انبیا نمایندگان خداوندند (نساء: ٨٠). متغیرهایی مانند توبه که درواقع سازوکار بازگشت به مسیر اطاعت از خدا هستند نیز اهمیت دارند، اما تأکید کمتر بر توبه، خواستار آخرت و اطاعت از اولیای الهی نشان می‌دهد که آن‌ها رفتارهای ثانویه و نتیجهٔ اطاعت اولیه از خداوند و پیامبران هستند. ذکر این نکته ضروری است که این رفتارهای اولیهٔ مرحلهٔ اول غالباً فردی هستند.

٤-٢. رفتارهای شخصیت مؤمنانه

پس از حصول متغیرهای بسترساز تربیت، اولین سطح از ایمان و اطاعت در انسان ایجاد می‌گردد. سپس در مرحلهٔ دوم، به دنبال تثبیت و ترفیع این شخصیت، مؤمن رفتارهایی انجام می‌دهد که می‌توان از این طریق، میزان ایمان افراد را سنجش کرد (شجاعی، ١٣٨٥، ص٤٧). این رفتارها در ابعاد مختلفی بروز می‌کنند که نمودار زیر نشانگر این ابعاد و درصد فراوانی آن‌هاست.

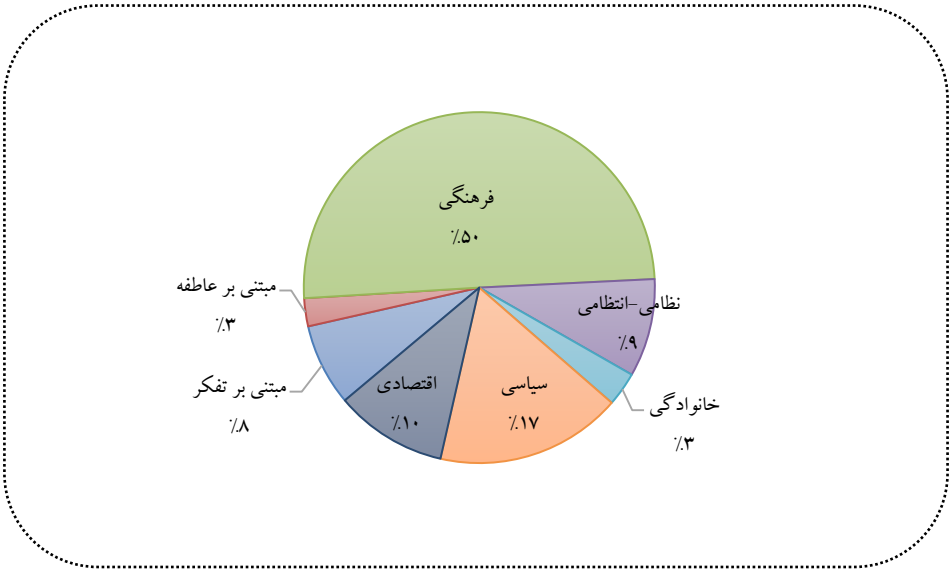

نمودار٦: فراوانی رفتارهای شخصیت مؤمنانه

به نظر می‌رسد ادلهٔ اصلی فراوانی زیاد رفتارهای فرهنگی این موارد باشند: ۱. زیربنای ایمان: فرهنگ ایمان‌محور اساس کنش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی مؤمنان است. ۲. زمینه‌ساز تقوا: تحقق جامعهٔ متقیانه نیازمند توجه به روابط اخلاقی و فرهنگی است که نمود عملیاتی تقوا در اجتماع محسوب می‌شود (نوبری و نورالدینی، ۱۴۰۱، ص۲۰۴). ۳. تضاد فرهنگی: تمرکز بر فرهنگ نشان‌دهندهٔ تضاد بنیادین جامعهٔ مؤمنانه با جوامع منافقانه و کافرانه است. اما تمرکز بسیار آیات بر رفتارهای سیاسی در کنار رفتارهای فرهنگی نیز از آن جهت است که مؤمنان در برابر نفاق واکنش نشان دهند؛ زیرا منافقان در جامعهٔ مؤمنان از تقابل علنی و تظاهر به کفر و جنگ اجتناب می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۹، ص۳۳۹) و از مسیر فرهنگی و سیاسی برای تخریب بهره می‌برند (نوبری و نورالدینی، ۱۴۰۲، ص۲۵). بنابراین مؤمنان در کنار تمرکز فرهنگی، به‌شدت درگیر کنش‌های سیاسی علیه منافقان هستند. نهایتاً نزدیکی فراوانی رفتارهای اقتصادی و نظامی ـ انتظامی نشانگر دو نکته است: ۱. قرآن خواستار تمرکز عملکردی مساوی بر این دو بُعد است. ۲. دشمنان، مخصوصاً منافقان، از بُعد اقتصادی و نظامی ـ انتظامی هم به‌صورت هم‌زمان یا به مقدار مساوی علیه نظام مؤمنانه اقدام می‌کنند.

٤-۲-۱. رفتارهای فرهنگی شخصیت مؤمنانه

رفتارهای فرهنگی شخصیت مؤمنانه از نظر قرآن بسیار است که فراوانی انواع این رفتارها به‌شکل زیر است:

جدول ۲: فراوانی رفتارهای فرهنگی شخصیت مؤمنانه

ردیف	رفتارهای فرهنگی	درصد	ردیف	رفتارهای فرهنگی	درصد
۱	حیا و عفت در مسائل جنسی	٪۱/۹	۱۱	عدم اذیت پس از صدقه	٪۰/۲۷
۲	اجتناب از اذیت کردن	٪۱/۶	۱۲	عدم هتک حرمت شعائر الهی	٪۰/۲۷
۳	اهل گذشت و بخشش	٪۱	۱۳	عدم تفحص اسرار یکدیگر	٪۰/۲۷
۴	اجتناب از شرک به خداوند	٪۱	۱۴	عدم لقب‌گذاری زشت	٪۰/۲۷
۵	شتاب در انجام کارها	٪۰/۸۱	۱۵	عدم گمان بد به یکدیگر	٪۰/۲۷
۶	یاری‌رسانی به یکدیگر	٪۰/۸۱	۱۶	تسلیم دستورات الهی	٪۰/۲۷
۷	ورود به خانه مردم با اجازه آنان	٪۰/۸۱	۱۷	عدم زینت برای نامحرم	٪۰/۲۷
۸	اجتناب از کینه‌توزی	٪۰/۵۴	۱۸	اجتناب از تکرار گناه	٪۰/۲۷
۹	اجتناب از گفتار و کردار بیهوده	٪۰/۵۴	۱۹	اجتناب از مسکرات	٪۰/۲۷
۱۰	عدم منت‌گذاری پس از صدقه	٪۰/۲۷	۲۰	تلاش برای آخرت	٪۰/۲۷

ادامه جدول ۲: فراوانی رفتارهای فرهنگی شخصیت مؤمنانه

ردیف	رفتارهای فرهنگی	درصد	ردیف	رفتارهای فرهنگی	درصد
۲۱	انجام عمل صالح	٪۱۷	۴۱	تقوا	٪۱۳/۸
۲۲	اقامه نماز	٪۵/۱	۴۲	اهل صبر	٪۳/۵
۲۳	سخن گفتن درست	٪۲/۷	۴۳	احسان	٪۱/۹
۲۴	خوراک طیب	٪۱/۶	۴۴	اهل دعا	٪۱/۶
۲۵	موعظه‌پذیری	٪۱/۳	۴۵	راستگویی	٪۱/۳
۲۶	اجتناب از تهمت	٪۱	۴۶	اهل عبادت	٪۱
۲۷	وفای به عهد	٪۰/۵۴	۴۷	انجام روزه	٪۰/۸۱
۲۸	زینت کردن	٪۰/۲۷	۴۸	امانت‌داری	٪۰/۸۱
۲۹	اجتناب از تنبلی	٪۰/۲۷	۴۹	انجام تیمم	٪۰/۵۴
۳۰	احترام به یکدیگر	٪۰/۲۷	۵۰	حجاب	٪۰/۵۴
۳۱	اجتناب از غیبت	٪۰/۲۷	۵۱	وصیت	٪۰/۲۷
۳۲	وفای به عقود	٪۰/۲۷	۵۲	اجتهاد	٪۰/۲۷
۳۳	عدم تمسخر	٪۰/۲۷	۵۳	بشارت و انذارپذیر	٪۰/۲۷
۳۴	عدم عیب‌جویی	٪۰/۲۷	۵۴	انجام حج	٪۰/۲۷
۳۵	عدم خودکشی	٪۰/۲۷	۵۵	عدم زنا	٪۰/۲۷
۳۶	اصلاح نفس	٪۰/۲۷	۵۶	عدم قمار	٪۰/۲۷
۳۷	شکر خداوند	٪۰/۲۷	۵۷	انجام غسل	٪۰/۲۷
۳۸	یادگیری کتب الهی	٪۰/۲۷	۵۸	انجام وضو	٪۰/۲۷
۳۹	تلاوت کتب الهی	٪۰/۲۷	۵۹	تسبیح الهی	٪۰/۲۷
۴۰	انجام کار خیر	٪۰/۲۷	۶۰	سپاسگذار	٪۰/۲۷

براساس جدول فوق، پنج رفتار فرهنگی شخصیت مؤمنانه با بیشترین فراوانی عبارت‌اند از: انجام عمل صالح (۱۷درصد)، تقوا (۱۳/۸درصد)، اقامهٔ نماز (۵/۱درصد)، اهل صبر بودن (۳/۵درصد) و سخن گفتن درست (۲/۷درصد). عمل صالح بیشترین فراوانی را دارد و رفتار محوری اول در قرآن عملی کاملاً دینی معرفی شده است که انبیا از سوی خداوند بر مردم واجب کرده‌اند و هر دینی عمل صالح مخصوص به خود را دارد. این واژه معادل «واجبات و تکالیف الهی» (خوشدل مفرد، ۱۳۸۸، ص۵۸) است که در مقابل «فسق» به معنای «معصیت الهی» قرار دارد. همراهی مکرر این مفهوم با «ایمان» در آیات قرآن،

نشان‌دهندهٔ حساسیت زیاد مؤمن نسبت به انجام تکالیف الهی است. تقوا به‌عنوان دومین رفتار محوری فرهنگی به معنای ترس از خدا نیست، بلکه به معنای تلاش برای حفظ اعتدال و پایداری در مسیر طبیعی و متعارف زندگی ازطریق اطاعت از اوامر و نواهی الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج۱، ص۳۹٤). نزدیکی فراوانی تقوا با عمل صالح این نکته را تقویت می‌کند که مقصود اصلی خداوند از تشریع عمل صالح، تحقق «تقوامداری» در مؤمنین است. این امر با معرفی تقوا به‌عنوان معیار برتری انسان‌ها (حجرات: ۱۳) توجیه می‌شود و تأکید مستمر و بسیار بر آن یادآور هدف نهایی دین برای مؤمنان است. اما تأکید فراوان بر اقامهٔ نماز به‌عنوان سومین رفتار محوری، گویای اصیل بودن این عمل اجتماعی در ساختار شخصیت مؤمنانه است (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص٤٤) و به‌عنوان یکی از اولین نشانه‌های اجتماع مؤمنانه قلمداد می‌شود. صبر به‌عنوان متغیر محوری بعدی که فراوانی نزدیکی با اقامهٔ نماز دارد، دارای معانی گسترده‌ای چون شکیبایی در مصیبت، عبادت، ترک گناه و پایداری در راه حق است. صبر به‌عنوان شاخصه‌ای از سلامت فرد و جامعه (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰، ص۸۸)، محصول معرفت و ایمان دانسته شده است، هرچند رابطهٔ آن علّی نیست، بلکه دیالکتیکی (دوسویه و چرخه‌ای) است؛ یعنی افزایش ایمان صبر را افزایش می‌دهد و بالعکس (همان). اهمیت این صفت به‌حدی است که در روایات، نسبت آن به ایمان مانند نسبت سر به بدن توصیف شده است (کلینی، ۱٤۰۷، ج۲، ص۸۷). بنابراین تأکید بسیار بر این صفت در آیات قرآن نشانگر جایگاه بسیار مهم معرفت است که با نبود آن، صبری نیز قابل تصور نیست تا شخصیت مؤمنانه توسط آن پیوسته باشد و مرتبهٔ آن رفیع گردد. ذکر این نکته بسیار مهم است که در مواردی که ایمان مؤمنان کم می‌شود، صبر آنان نیز کاهش می‌یابد که باید آنان را متوجه کرد. همچنین به نظر می‌رسد همسانی نزدیک فراوانی اقامهٔ نماز با صفت صبر بیانگر این است که اقامهٔ نماز در تقویت صفت صبر تأثیر زیادی دارد. هم‌نشینی این دو در آیهٔ ۱۵۳ سورهٔ بقره که بیانگر رابطه‌ای میان آن دو است، می‌تواند تأییدی بر این برداشت باشد. متغیر سخن گفتن درست به‌عنوان آخرین رفتار موردتأکید بسیاری از آیات ایمان، شامل قول سدید (کلام مطابق با واقع و فایده‌دار)، رفق و نرمی در کلام و صداقت است (بدخشان و رشتی، ۱٤۰۱، ص۱۷۵-۱۷٦). تأکید قرآن بر این عمل به‌دلیل نقشی است که در معرفی سریع شخصیت فرد دارد، همان‌طور که امام علی(ع) می‌فرمایند: «انسان در زیر زبان خود پنهان است» (شریف‌الرضی، ۱٤۱٤، ص٤۹۷).

٤-۲-۲. رفتارهای سیاسی شخصیت مؤمنانه

قرآن کریم رفتارهای سیاسی بسیاری برای شخصیت مؤمنانه بیان کرده است. در ادامه، فراوانی انواع رفتارهای سیاسی مؤمنان نمایش داده شده است:

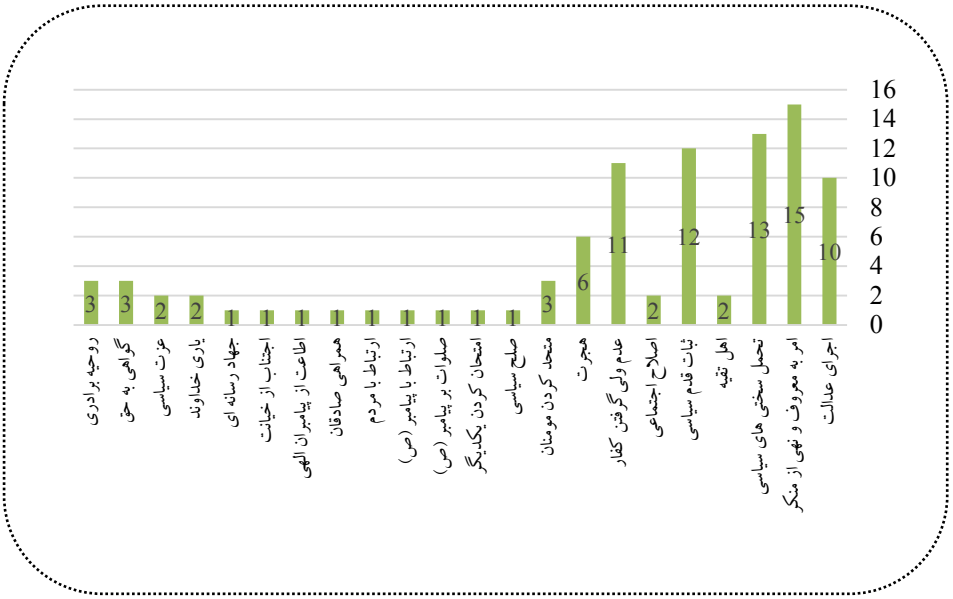

نمودار۷: فراوانی رفتارهای سیاسی شخصیت مؤمنانه

بیشترین فراوانی آیات ایمان در عرصهٔ رفتار سیاسی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (۱٦درصد)، تحمل سختی‌های سیاسی (۱٤درصد)، ثبات قدم سیاسی (۱۳درصد)، ولی نگرفتن کفار (۱۲درصد) و اجرای عدالت (۱۱درصد) است. امر به معروف و نهی از منکر فریضهٔ اجتماعی مهمی است که انجام آن به‌دلیل داشتن شرایط خاص، منحصراً بر عهدهٔ معصومین یا گروهی از مؤمنان صالح بوده و ضامن استحکام حکومت اسلامی است و در تربیت عمومی بسیار تأثیرگذار است (حسینی اجداد و رخشنده‌نیا، ۱۳۹۱، ص۱۰۱). بنابراین فقط شخصیت‌های مؤمنانه و متقیانه می‌توانند این فریضهٔ سیاسی را آن هم به‌صورت اجتماعی، انجام دهند. ثبات قدم سیاسی به تداوم حرکت مؤمنانه با نشاط روحی و پذیرش رنج‌ها تفسیر شده است (دیالمه و دیگران، ۱٤۰٤، ص۹۲). نزدیکی فراوانی آیات مربوط به ثبات قدم و تحمل سختی‌های سیاسی نشان می‌دهد که سختی‌های تحمیل‌شده از سوی منافقان و کافران (مانند جنگ، حمایت نکردن از رئیس و سیستم حاکمیتی مؤمنان، تهمت‌زنی به مؤمنان، اذیت همسر و فرزندان، یاوه‌گویی و ایجاد شک دربارهٔ حقانیت ایمان و اجتماع مؤمنانه) عامل اصلی پایداری مؤمن است. همچنین نزدیکی فراوانی آیات مربوط به ولی نگرفتن کفار و اجرای عدالت به‌دلیل اهمیت مساوی این دو اصل در پیشبرد جامعهٔ اسلامی است، همان‌طور که پیامبر اکرم(ص) در مدینه این دو متغیر را هم‌زمان پیگیری کردند (ملاشفیعی و دیگران، ۱٤۰۰، ص۳۹-٤۰).

٤-٢-٣. رفتارهای اقتصادی شخصیت مؤمنانه

یکی دیگر از رفتارهای شخصیت مؤمنانه، رفتارهای اقتصادی اوست که نمودار فراوانی انواع این متغیرها به‌شکل زیر است:

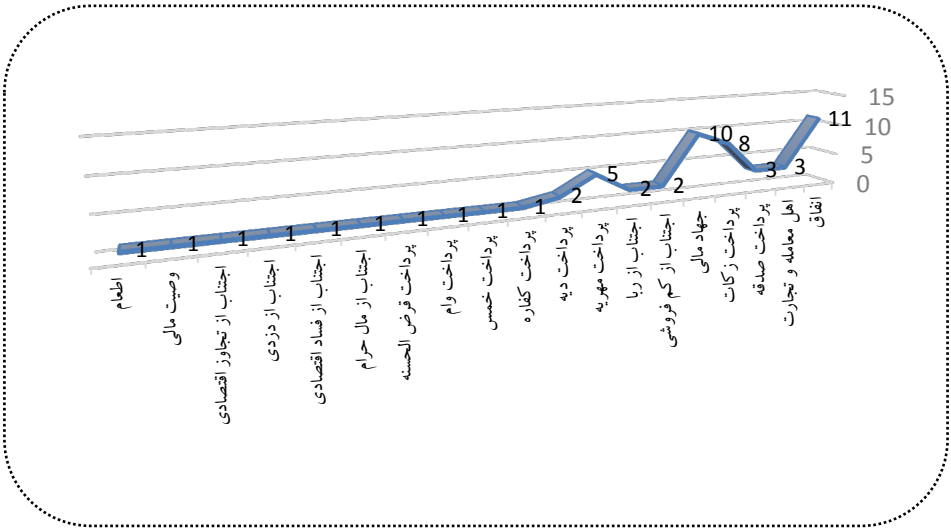

نمودار ۸: فراوانی رفتارهای اقتصادی شخصیت مؤمنانه

بیشترین فراوانی آیات قرآنی مرتبط با رفتارهای اقتصادی مؤمنان به ترتیب مربوط به انفاق (۲۰درصد)، جهاد مالی (۱۸درصد)، پرداخت زکات (١٤درصد) و پرداخت مهریه (۹درصد) است. «انفاق» به معنای «بذل مال برای رفع حوایج خود یا دیگران» است (طباطبایی، ١٤١٧، ج١٥، ص٢٤٠). هم‌نشینی این واژه با «ایمان» در قرآن کریم نشان‌دهندهٔ پیوستگی بُعد اعتقادی و عملی ایمان است و انفاق را مرحلهٔ کمال ایمان می‌داند (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۹، ص۳۱). بدین علت خداوند آیات فراوانی را به ذکر این رفتار اقتصادی اختصاص داده است. جهاد مالی نوع خاصی از انفاق است که مؤمنان در زمان جنگ، ثروت خود را صرف تقویت جامعهٔ مؤمنانه می‌کنند. «زکات» به معنای «رشد» و «فزونی» و «طهارت» است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج٤، ص٣٥٤). تأکید بسیار آیاتِ ایمان بر زکات می‌تواند بیانگر این باشد که قرآن خواستار این است که مؤمنان باید قسمتی از درآمد خود از موارد نُه‌گانه (قمی، ١٤٠٤، ص١٢٩) یا مال‌التجاره (حلی، ١٤١٢، ج٣، ص١٩١-١٩٢) یا تمامی حبوبات (کلینی، ١٤٠٧، ج٣، ص٥٠٩) یا بسیاری از محصولات کشاورزی (نجفی، ١٣٦٥، ج١٥، ص٦٩) را به موارد مصرف زکات تحویل دهند تا موجب جلوگیری از تمرکز ثروت در اقلیت و حمایت از نیازمندان شود. به نظر می‌رسد دلیل تأکید بسیار خداوند بر

زکات این است که اولاً مقدار آن برخلاف صدقه، معلوم است و برخلاف قرض‌الحسنه، بازگرداندن نمی‌خواهد. همچنین مانند دیه و کفاره، موارد کمی را شامل نمی‌شود. اما تأکید بسیار آیات ایمان بر پرداخت مهریه به زنان مطلقه به‌دلیل جایگاه رفیع خانواده در دیدگاه قرآن است. مهریه پشتوانهٔ اقتصادی زن و در صورت داشتن فرزند، پشتوانهٔ آن‌ها پس از طلاق خواهد بود. این مفاهیم نشان‌دهندهٔ اهمیت عدالت اقتصادی و حمایت اجتماعی در ساختار ایمانی دین اسلام هستند.

٤-٢-٤. رفتارهای نظامی ـ انتظامی شخصیت مؤمنانه

گاهی شخصیت مؤمنانه مجبور به انجام برخی رفتارهای نظامی ـ انتظامی است که در ادامه، فراوانی انواع این رفتارها در نموداری بیان شده است:

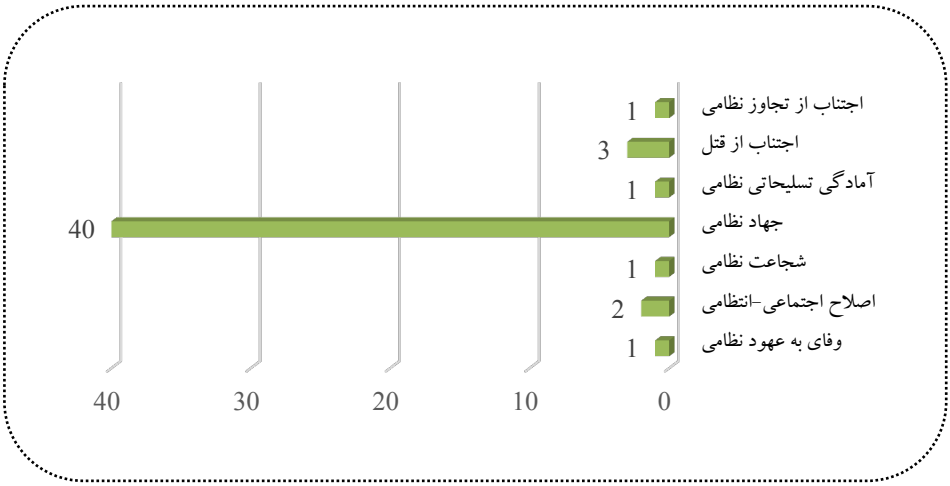

نمودار ۹: فراوانی رفتارهای نظامی ـ انتظامی شخصیت مؤمنانه

بیشترین درصد فراوانی آیات دال بر رفتارهای نظامی ـ انتظامی شخصیت مؤمنانه مربوط به جهاد نظامی (۸۲درصد) است. از نظر قرآن کریم، از اصلی‌ترین نشانه‌های شخصیت مؤمنانه، شرکت در جهاد نظامی است. مدنی بودن تمام آیاتی که بر جهاد نظامی شخصیت مؤمنانه دلالت دارند، می‌تواند بیانگر این نکته باشد که جهاد نظامی یک پاسخ ضروری به تهدید عینی و خارجی جامعهٔ نوپای اسلامی در مدینه بوده است و تأکید بسیار بر آن منطقی به نظر می‌رسد. البته باید این نکته را در نظر گرفت که در عصر حاضر نیز هرگاه حکومت اسلامی به جهاد نظامی نیاز داشته باشد، براساس این آموزهٔ قرآن، باید تأکید بسیاری بر این رفتار نظامی ـ انتظامی داشته باشد و آن را یکی از نشانگرهای اصلی وجود شخصیت مؤمنانه در افراد

بداند. متغیرهای رفتاری نظامی ـ انتظامی دیگر نیز به توازن رفتاری مؤمن اشاره می‌کند که خشونت او سازمان‌یافته علیه دشمن است، اما در قید عدالت و محدودیت‌های اخلاقی در برابر غیرنظامیان قرار دارد (فتح: ۲۹).

٤-۲-۵. رفتارهای خانوادگی شخصیت مؤمنانه

خانواده به‌عنوان یک اجتماع بسیار کوچک جامعه، از افرادی تشکیل یافته است. این افراد اگر شخصیت مؤمنانه داشته باشند، رفتارهایی از خود در خانواده بروز می‌دهند. در ادامه، انواع و میزان فراوانی رفتارهای خانوادگی مؤمنان از نظر قرآن نمایش داده می‌شود:



نمودار ۱۰: فراوانی رفتارهای خانوادگی شخصیت مؤمنانه

ازدواج (۷٦درصد) بیشترین درصد فراوانی آیات دال بر رفتارهای خانوادگی مؤمنان را دارد. بنابراین از نظر قرآن، یکی از نشانگرهای وجود شخصیت مؤمنانه در افراد جامعه، ازدواج است. روایات نیز این نشانگر را تأیید می‌کنند (ابن‌بابویه، ۱٤۱۳ق، ج۳، ص۳۸۳-۳۸٤). البته قرآن کریم تنها ازدواج درست را نشانگر وجود شخصیت مؤمنانه در افراد اجتماع مؤمنانه می‌داند. ازدواج درست از نظر قرآن به ازدواج با افرادی اطلاق می‌شود که اجازهٔ ازدواج با آنان از سوی دین اسلام داده شده (نساء: ۲۲-۲۳) و نیز به ازدواج نه‌فقط به‌خاطر ثروت همسر (همان: ۱۹).

٤-٢-٦. رفتارهای مبتنی‌بر تفکر

مؤمن رفتارهایی براساس تفکر دارد که فراوانی این نوع رفتارها در نمودار زیر تبیین شده است:

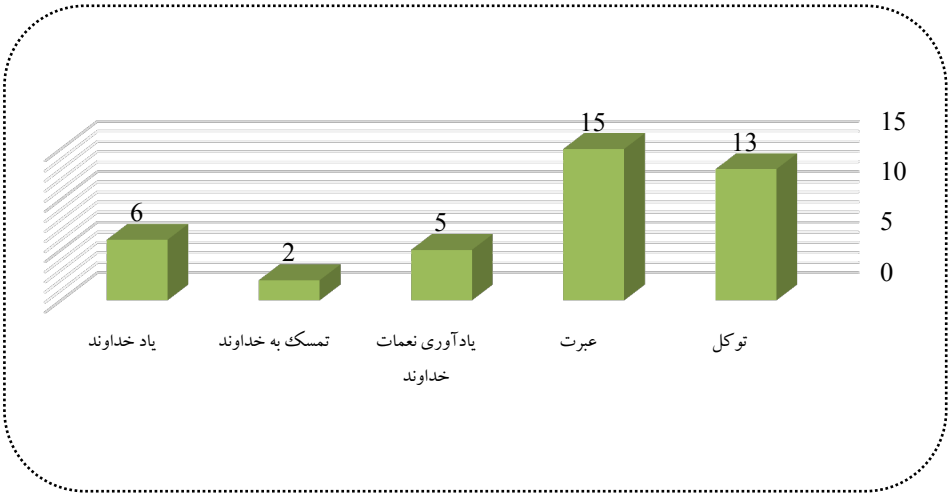

نمودار ١١: فراوانی رفتارهای مبتنی‌بر تفکر شخصیت مؤمنانه

بررسی فراوانی رفتارهای تفکری در آیات ایمان نشان می‌دهد که «عبرت» با ٣٦درصد و «توکل» با ٣٢درصد، بیشترین تکرار را دارند. «عبرت» به معنای «انتقال معرفت از امور محسوس ظاهری به امور باطنی و غیرمحسوس» است. این انتقال معرفتی مشروط به سه قید اصلی نبود رابطهٔ قراردادی یا اعتباری بین ظاهر و باطن، داشتن بار ارزشی و اخلاقی در باطن و وقوع آن ازطریق تأمل و تفکر است (قائمی‌مقدم، ١٣٨٠، ص٧١-٧٢). فراوانی زیاد «عبرت» حاکی از دغدغهٔ همیشگی مؤمن برای افزایش علم و آگاهی است؛ زیرا علم ریشهٔ ایمان محسوب می‌شود (مجلسی، ١٤٠٣ق، ج٦٦، ص٨١). همچنین این تأکید نشان می‌دهد که ایمان مؤمن ممکن است در دنیای مادی کاهش یابد و نیاز به توجه‌دهی داشته باشد؛ زیرا توجه‌دهی نقش بسیار پررنگ‌تری نسبت به آموزش باور به افراد مؤمن و متقی دارد (نوبری و نورالدینی، ١٤٠١، ص١٩٥-١٩٦). بنابراین تأکید بسیار بر عبرت‌دهی در آیات ایمان نشانگر این است که عبرت‌دهی یکی از اصلی‌ترین روش‌های توجه‌دهی است که مؤمن را به صراط مستقیم ایمان بازمی‌گرداند. این نوع عبرت‌دهی در زمان پیامبر(ص) بیشتر در مدینه امکان داشت تا انجام گیرد. بنابراین باتوجه‌به این مطلب و نیز مدنی بودن بسیاری از آیات عبرت، این صفت رفتاری در مرحلهٔ دوم قرار گرفت. «توکل» به معنای «اظهار عجز و نیاز به خداوند»، «تکیه بر تدبیر الهی» و «سپردن امور به او» است. متوکل موظف است تلاش خود را بکند، از همهٔ امکانات استفاده کند و سپس نتیجه را به خداوند بسپارد (بزرگی و سادات‌ارفع،

۱۴۰۱، صص۵۸-۵۹). فراوانی زیاد توکل بیانگر خواستهٔ خداوند برای تحقق درجه‌ای از ایمان است که براساس آن، فرد دل‌بستگی، امید و اعتماد کامل به متعلق ایمان (خداوند) داشته باشد و زندگی‌اش را بر این اساس بنا کند (بدخشان و رشتی، ۱۴۰۱، ص۱۸۱). دستیابی به این درجه برای انسانی که تازه توبه کرده و در مرحلهٔ اول ایمان است، دشوار است و باید مدتی برخی رفتارهای فرهنگی مانند صبر و مانند آن را انجام دهد تا به‌تدریج این صفت رفتاری را در خود ایجاد کند. لذا توکل جزو رفتارهای مرحلهٔ دوم قرار گرفت. علت تأکید فراوان بر آن هم این است که در اجتماع نوپای مدینه، غیرمؤمنان بسیاری وجود داشتند که لازم بود قرآن این صفت را بیان کند تا مؤمن از غیرمؤمن بازشناخته شود؛ زیرا امید به رحمت الهی از نشانه‌های اصلی انسان مؤمن است (انعام: ۸۲)، درحالی‌که کافر و منافق مأیوس توصیف شده‌اند (یوسف: ۸۷).

٤-۲-۷. رفتارهای مبتنی‌بر عاطفه

شخصیت مؤمنانه به‌تبع برخورداری از عاطفه، برخی رفتارهای مبتنی‌بر عاطفه دارد که در نمودار زیر فراوانی انواع این رفتارها به تصویر کشیده شده است:

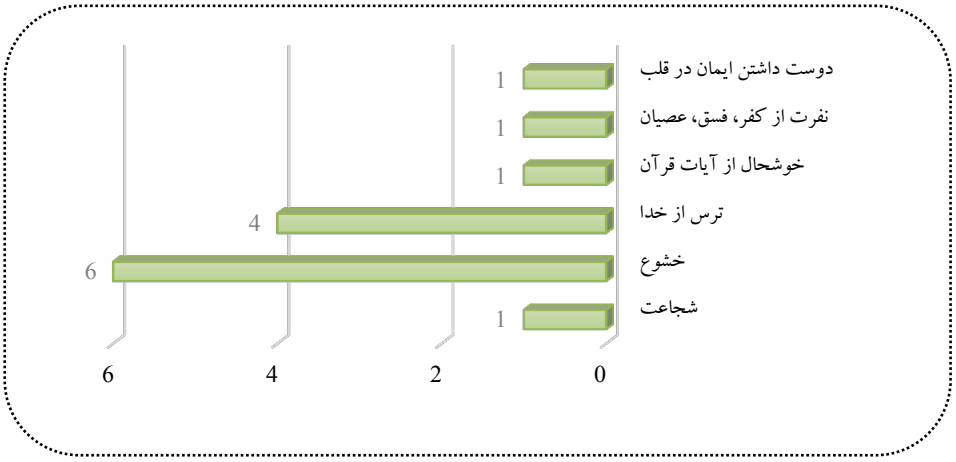

نمودار ۱۲: فراوانی رفتارهای مبتنی‌بر عاطفهٔ شخصیت مؤمنانه

دو رفتار عاطفی با بیشترین فراوانی در آیات ایمان به ترتیب خشوع (٤۳درصد) و خوف از خدا (۲۹درصد) هستند. خشوع حالتی درونی برای قلب در برابر عظمت الهی است که همواره در بافت‌های متنی قرآن کریم در کنار واژگانی چون «نماز»، «یاد خدا»، «ایمان به پیامبران و آموزه‌های آنان» و «قلب» آمده است. خشوع در هنگام نماز، یاد خدا، ایمان به پیامبران و آموزه‌های آنان، به معنای خضوع (خشوع

ظاهری) است که از خشوع (خشوع درونی) سرچشمه می‌گیرد (گلزارخجسته و دیگران، ۱۴۰۰، ص۶۶-۶۹). بنابراین باتوجه‌به اینکه نماز و خشوع لازم و ملزوم یکدیگرند (همان، ص۶۹)، تأکید بسیار بر اقامهٔ نماز می‌طلبد که خداوند تأکید زیادی بر خشوع نیز داشته باشد. همچنین انذار فرد و خائف کردن او از خدا در مرحلهٔ اول، سبب بروز بسیارِ رفتارِ خوف از خدا می‌شود و بدین علت بر خوف از خدا بسیار تأکید شده است.

این دو رفتار عاطفی در مرحلهٔ دوم قرار گرفته‌اند؛ زیرا آیات مربوط به آن‌ها عمدتاً مدنی هستند و با مفاهیمی چون نماز (که از رفتارهای مرحلهٔ دوم است) پیوند دارند (مؤمنون: ۲).

۵. الگوهای به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای آیات ایمان

۵-۱. مدل اجمالی انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم

جدول ۳: مدل اجمالی انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم
(منبع: یافته‌های پژوهش)

هدف نهایی/ خروجی مرحله	متغیرهای کلیدی	سهم فراوانی (براساس آیات)	مرحله	محور اصلی
تثبیت جوهر ایمانی و کسب شایستگی‌های اولیه (علم، خوف، اطاعت)	معرفتی (۵۷%)، عاطفی (۶%) و رفتاری اولیه (۳۷%)	۲۱%	مرحله اول: بسترسازی	زیرساخت
تحقق رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤمنانه (نشانگر تمدن‌ساز)	فرهنگی (۵۰%)، سیاسی (۱۷%)، اقتصادی (۱۰%)، نظامی-انتظامی (۹%)، خانوادگی (۳%)، رفتارهای مبتنی بر تفکر (۸%)، رفتارهای مبتنی بر عاطفه (۳%)	۷۹%	مرحله دوم: صدور رفتار	اجرا و برون‌تاب
دستیابی به نتیجه دنیوی شخصیت مؤمنانه (تمدن اسلامی)			مرحله سوم: نتیجه	نتیجه نهایی

۵-۲. مدل تفصیلی انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم



تصویر ۱: مدل تفصیلی انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم (منبع: یافته‌های پژوهش)

۵-۳. تبیین ارتباط منطقی میان مراحل (گذار از ۱ به ۲ و ۲ به ۳)

این مدل تربیتی بر این اصل استوار است که تغییرات بنیادین ابتدا باید درونی (معرفتی/ بستری) و سپس بیرونی (رفتاری/ عملی) رخ دهد. در توضیح گذار از مرحلهٔ اول (بسترسازی) به مرحلهٔ دوم (صدور رفتار) باید گفت که مرحلهٔ اول زیربنای معرفتی و عاطفی را در فرد ایجاد می‌کند. هستهٔ اصلی تربیت در این مرحله، «تثبیت تفکر صحیح» (علم به ارکان دین) و ایجاد «خوف الهی» است. باتوجه‌به اینکه ۵۷درصد متغیرهای این مرحله معرفتی هستند، تأکید بر این است که ایمان اساساً امری قلبی و معرفتی است و بدون این بستر درونی، هرگونه رفتار بیرونی ناپایدار و ریاکارانه خواهد بود. گذار به مرحلهٔ دوم از راه‌های زیر اتفاق می‌افتد: ۱. تثبیت معرفتی: «دانستن» حق. ۲. تثبیت عاطفی: کسب «خوف» لازم برای دوری از باطل و «حب» لازم برای گرایش به حق. ۳. رفتار اولیه (اطاعت): سوق یافتن به توبه و تسلیم عملی و توبه برای آماده‌سازی مرحلهٔ بعد.

اما در توضیح گذار از مرحلهٔ دوم به سوم گفته می‌شود که مرحلهٔ دوم تجلی عملی فرد مؤمن در ساختار اجتماع است که به رفتارهای اجتماعی گسترده‌تر می‌پردازد. تمرکز بر رفتارهای فرهنگی (۵۰درصد)، سیاسی (۱۷درصد)، اقتصادی (۱۰درصد) و نظامی ـ انتظامی (۹درصد) به‌عنوان محورهای اصلی تمدن‌سازی اسلامی به معنای اصلاح فرهنگ عمومی و برقراری نظام حکومتی براساس حق است. چگونگی رسیدن از مرحلهٔ دوم به مرحلهٔ سوم نیز بدین شکل است که با تداوم و استمرار رفتارهای هدفمند اصلی شخصیت مؤمن (مثل امر به معروف، ثبات قدم سیاسی، عمل صالح، تقوا، اقامهٔ نماز، ولی نگرفتن کفار، انفاق، جهاد مالی و نظامی، ازدواج، عبرت، توکل و خشوع) در طول زمان، جامعه‌ای ساخته می‌شود که حکومت و تمدن اسلامی را محقق می‌کند که همان هدف نهایی این مدل است. تمدن مذکور همان وعدهٔ الهی به انسان‌های مؤمن در قرآن کریم است (نور: ۵۵). براساس این وعده، در آن تمدن، مؤمنان بر زمین مسلط خواهند شد و از هیچ کافر یا منافقی نخواهند ترسید و اصول معارف اسلام موردقبول همگان خواهد بود و دستورات دین اسلام اجرا خواهد شد و هیچ کافری نمی‌تواند مانع آن شود (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۵، ص۱۵۱-۱۵۳).

نتیجه‌گیری

در جریان ترسیم مدل انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی براساس قرآن کریم، نتایج زیر دریافت شد:

۱. بررسی آیات ناظر به ایمان برای به دست آوردن مدل انسان‌سازی شخصیت تراز تمدن اسلامی نشانگر خط سیری است که براساس آن می‌توان این آیات را دسته‌بندی کرد و درنهایت مدل مناسبی را با استفاده از این آیات استخراج کرد.

۲. آیات ناظر به ایمان از نظر قرآن کریم برای به دست آوردن مدل مطلوب، به دو دستهٔ متغیرهای بسترساز (۲۱درصد) و رفتارهای شخصیت مؤمنانه (۷۹درصد) تقسیم می‌شوند که بیشترین فراوانی آیات مربوط به دستهٔ دوم است. همچنین باید گفت تمام آیاتِ مرحلهٔ دوم مدنی هستند. بنابراین فراوانی بیشتر آن‌ها بیانگر این می‌تواند باشد که باتوجه‌به اینکه عرصهٔ عمل انسانی برخلاف عرصهٔ مسائل روانی انسان، گسترده و قابل‌مشاهده است، پس برای شناسایی انسان‌های مؤمن از غیرمؤمن در حکومت اسلامی، باید نشانگرهای عملی زیادی توضیح داده شود تا بتوان مؤمن را شناخت.

۳. براساس تحلیل‌ها، مرحلهٔ اول شامل متغیرهای بسترساز معرفتی (۵۷درصد)، عاطفی (۶درصد) و رفتاری (۳۷درصد) تشخیص داده شد. به نظر می‌رسد دلیل کثرت فراوانی متغیرهای معرفتی این باشد که ارائهٔ تفکر صحیح و تثبیت چنین تفکری در مخاطب اصلی‌ترین زمینهٔ تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی مؤمنانه است؛ زیرا ایمان اساساً جوهری معرفتی است و ملازم با علم، به معرفت نیاز دارد. بنابراین باید بر متغیرهای معرفتی تمرکز حداکثری داشت.

۴. فردی که سطح اولیهٔ ایمان را به دست آورده است، در مرحلهٔ دوم به جهت‌دهی در راستای انجام برخی رفتارها نیاز دارد. باید این رفتارها و اولویت هریک از آن‌ها بر دیگری را دریافت تا بتوان به‌صورت مناسبی آنان را راهنمایی کرد. قرآن کریم این رفتارها را در هفت بُعد فرهنگی (۵۰درصد)، سیاسی (۱۷درصد)، اقتصادی (۱۰درصد)، نظامی ـ انتظامی (۹درصد)، خانوادگی (۳درصد)، مبتنی‌بر تفکر (۸درصد) و مبتنی‌بر عاطفه (۳درصد) بازتاب داده که موضوعات اصلی مرحلهٔ دوم هستند. تمرکز حداکثری بر رفتارهای فرهنگی و سیاسی بیانگر این است که اولاً بدون داشتن اجتماعی هماهنگ که همان تشکیل حکومت است، نمی‌توان اکثر مؤمنان گذرکرده از مرحلهٔ اول را به‌سوی تثبیت ایمانشان سوق داد. ثانیاً حکومتِ مد نظر به دنبال دستیابی به اجتماع متقیانه است. ثالثاً این تمرکز نشانگر این است که بیشترین تفاوت اجتماع مؤمنانه و متقیانه با اجتماعات منافقانه و کافرانه در رفتارهای فرهنگی و سیاسی است.

تعارض منافع:

نویسندگان تعارض منافعی اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان تقدیر و تشکری ابراز نکرده‌اند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (١٤١٣). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (١٤١٤). *لسان‌العرب*. تصحیح جمال‌الدین میردامادی. بیروت: دار صادر.
- بدخشان، نعمت‌الله (١٤٠١). عوامل افزایش و کاهش‌پذیری ایمان از دیدگاه قرآن و احادیث (تحلیل کلامی). *پژوهشنامهٔ تفسیر و زبان قرآن*، ١٠(٢)، ١٨٢-١٦٣.
https://quran.journals.pnu.ac.ir/article_9016.html?lang=fa
- برقی، احمدبن محمدبن خالد(١٣٧١). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بزرگی، منصوره، سادات‌ارفع، فاطمه (١٤٠١). تحلیل معناشناختی ــ توصیفی واژهٔ «توکل» در قرآن کریم. *مطالعات میان‌رشته‌ای تفسیر*، ٤(٦)، ٦٤-٣٥.
https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1902599/
- جان‌احمدی، فاطمه (١٣٩٣). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: معارف.
- جعفری، محمدتقی (١٣٧٥). *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- جلالی، مجتبی (١٤٠٢). تأثیر مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی نوین اسلام با تکیه بر دیدگاه علامه مصباح یزدی(ره). *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ٧(١)، ٢٢٣-٢٥٦.
https://nic.shahed.ac.ir/article_4462.html
- جوادی آملی، عبدالله (١٣٩٨). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.
- حسینی اجداد، اسماعیل، رخشنده‌نیا، اکرم (١٣٩١). امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامهٔ آن. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ٣(٢)، ١٠١-١١٤.
https://ensani.ir/fa/article/522481/
- حلی، حسن‌بن‌یوسف (١٤١٢). *مختلف‌الشیعة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (١٣٩٢/٠٦/١٤). بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری،
https://farsi.khamenei.ir./speech-content?id=23810
- خلیلیان شلمزاری، محمود، حسن‌آبادی، حمیدرضا، سقای بی‌ریا، محمدناصر، براتی سده، فرید (١٣٩٧). خوانش روان‌شناختی «خوف از خدا» مبتنی‌بر اندیشهٔ علامه طباطبایی: ارائهٔ مدل پدیدآیی. *روان‌شناسی و دین*، ١١(٣)، ٢٣-٣٨. https://www.ensani.ir/fa/article/416437/

- خوشدل مفرد، حسین (۱۳۸۸). بررسی حوزهٔ معنایی عمل صالح در قرآن. پژوهشنامهٔ *علوم و معارف قرآن کریم*، ٤، ٤٣-٦٠. https://www.sid.ir/paper/500696/fa
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دیالمه، نیکو، شفیعی، فاطمه‌صغری، مرادی، زهرا (١٤٠٤). مفهوم‌شناسی ثبات قدم فردی و جمعی از منظر تربیت قرآنی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۳(۲۸)، ۹۱-۱۱٦. https://esi.isu.ac.ir/article_77605.html?lang=fa
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (١٤١٢). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- سراج‌زاده، حسن (١٣٩٦). گزاره‌های اخلاقی و چگونگی نظام‌مندسازی آن. پژوهشنامهٔ *اخلاق*، ۱۰(۳۵)، ٤٥-٦٤. https://akhlagh.maaref.ac.ir/article-1-347-fa.html
- سلیمی، فاطمه، اصفهانی، عبدالله، حسن‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۹). مؤلفه‌های معنایی واژهٔ «انفاق» در گفتمان قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی. *پژوهش دینی*، ۱۹(٤٠)، ٥-٣٤. http://pdmag.ir/article-1-1131-fa.html
- سیدان، جعفر (۱۳۸۰). توحید. *قبسات*، ٦(۱۹)، ۲۵-۳۳. https://ensani.ir/fa/article/6590/
- شریف رضی، محمدبن‌حسین (١٤١٤). *نهج‌البلاغة*. قم: هجرت.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۵). *توکل به خدا*. قم: مؤسسهٔ امام خمینی(ره).
- شمشیری، بابک، شیروانی شیری، علی (۱۳۹۰). مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن. *تربیت اسلامی*، ٦(۱۳)، ۷۹-۹۸. https://ensani.ir/fa/article/320711/
- طباطبایی، محمدحسین (١٤١٧). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
- فخر رازی، محمدبن‌عمر (١٤٢٠). *مفاتیح‌الغیب*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۰). عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۷(۲۷)، ٦۹-۹۱. https://civilica.com/doc/1298865/
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم (١٤٠٤). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (١٤٠٧). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- گلزارخجسته، ابوذر، زودرنج، صدیقه، قائمی، مرتضی (١٤٠٠). بررسی نشانه‌شناختی واژهٔ «خشوع» در قرآن کریم. *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب*، ۳(٤)، ٦١-۷۸. https://amozesharabi.cfu.ac.ir/article_2085.html?lang=fa

- مجلسی، محمدباقر (۱٤۰۳). *بحارالأنوار*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۸۸). عمل، معیار ایمان. *فرهنگ کوثر*، (۷۸)، ۸-۱۷. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/449310/
- محسنی، منوچهر (۱۳۵۷). *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: طهوری.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسهٔ امام خمینی(ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۹۳). *التحقیق*. تهران: نشر آثار علامه مصطفوی.
- ملاشفیعی، بتول، بهجت‌پور، عبدالکریم، ناصحی، محمد (۱٤۰۰). آسیب‌شناسی دوستی با کفار در جامعهٔ اسلامی و راه‌های برون‌رفت آن براساس سورهٔ ممتحنه با روش تحلیل مضمون. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۲)، ۲۵-٤۲. https://sm.psas.ir/article_245045.html?lang=fa
- نجفی، محمدحسن‌بن‌باقر (۱۳٦۵). *جواهرالکلام* (۱۵ج). قم: دار الکتب الإسلامیة.
- نصیری، منصور (۱۳۹۳). ایمان از دیدگاه علامه طباطبایی. *قبسات*، ۱۹(۷۳)، ٤۹-۷۸. https://ensani.ir/fa/article/342597/
- نوبری، علیرضا، بیات، حامد (۱٤۰۳). الگوی مقابلهٔ فرعون با موسی(ع) و منتظران ایشان از بنی‌اسرائیل براساس تحلیل محتوای آیات ناظر قرآن کریم. *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ۸(٤)، ۱-۳۰. https://quranicstudies.ihcs.ac.ir/article_9953.html?lang=fa
- نوبری، علیرضا، نورالدینی، فیروزه (۱٤۰۱). الگوی رفتار ارتباطی مبتنی‌بر تقوای اجتماعی با رویکرد تحلیل محتوای آیات ناظر به تقوا. *انسان‌پژوهی دینی*، ۱۹(٤۷)، ۱۸۷-۲۲۱. https://raj.smc.ac.ir/article_255015.html?lang=fa
- نوبری، علیرضا، نورالدینی، فیروزه (۱٤۰۲). الگوی رفتار ارتباطی مبتنی‌بر نفاق، با رویکرد تحلیل محتوای آیات ناظر به نفاق. *پژوهش‌های قرآنی*، ۲۸(۱۰۷)، ۳۶-۵. https://jqr.isca.ac.ir/article_74597.html?lang=fa

References

- The Holy Quran.
- Badakhshan, N. (2022). Factors of increasing and decreasing faith from the perspective of Quran and hadiths (Verbal analysis). *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 10(2), 163-182, https://quran.journals.pnu.ac.ir/article_9016.html [In Persian]
- Barqi, A. (1992). *Al-Mahasin*. Qom: Dar al-Kuttab al-Islamiyya. [In Persian]

- Bozorgy, M., & Sadat-Arfa, F. (2022). A semantic and descriptive analysis of the word “Tawakkil” in the Holy Quran. *Interdisciplinary Studies of Interpretation*, 4(6), 35-64. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1902599/ [In Persian]
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Dialameh, N., Shafiee, F., & Moradi, Z. (2025). The Concept of Individual and Collective Grit from the Perspective of Quranic Education. *Islamic Perspective on Educational Science*, 13(28), 91-116. https://esi.isu.ac.ir/article_77605.html?lang=en [In Persian]
- Fakhr-Razi, M. (1999). *Mafateh al-Ghayb*. Beirut: Dar Ihyaa al-Turat al-Arab. [In Persian]
- Ghaemi-Moghaddam, M. (2001). Admonition and Education from the Viewpoint of the Qur'an and Nahj al-Balagah. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 7(27), 69-91. https://civilica.com/doc/1298865/ [In Persian]
- Golzar Khojasteh, A., Zoodranj, S. & Gaemi, M. (2022). Semiological study of the word "Modesty" in the Holy Quran. Journal of *Research in Arabic Language and Literature Education*, 3(4), 61-78. https://amozesharabi.cfu.ac.ir/article_2085.html?lang=en [In Persian]
- Helli, H. (1991). *Mukhtalaf al-Shia*. Qom: Islamic Publishing House. [In Persian]
- Hosseini-Ajdad, S., & Rakhshandehnia, S. (2012). Enjoining the good and forbidding the evil from the perspective of religion and the conditions for its implementation. *Interdisciplinary Research on the Holy Quran*, 3 (2), 101-114. https://ensani.ir/fa/article/522481/ [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. (1992). *Man la yahzorohol al-fageah*. Qom: Qom Seminary Teachers' Association. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. (1993). *Lisan al-Arab*. edited by Jamal al-Din Mirdamadi. Beirut: Dar Sadr. [In Persian]
- Jafari, M. (1996). *Translation and commentary of Nahj al-Balagha*. Tehran: Islamic Culture Publishing House. [In Persian]
- Jalali, S. (2024). Influence of the Quran’s Anthropological Components on Modern Islamic Civilization, Based on Allameh Misbah Yazdi’s (may his grave be sanctified) Viewpoints. *Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies*, 7(1), 223-256. https://nic.shahed.ac.ir/article_4462. html?lang=en [In Persian]

- Jan Ahmadi, F. (2014). *History of Islamic culture and civilization*. Qom: Maarif Publishing House. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2019). *The Literature of the Demise of the Beloved*. Qom: Isra. [In Persian]
- Khaliliyan Shalamzari, M., Salarifar, H., Saghaye biriya, M., & Barati Sadeh, F. (2026). A Psychological Reading of "Fear of God" Based on Allameh Tabataba'i's Thoughts: Presenting the Model of Appearance. *Psychology and Religion*, 11(3), 23-38. https://www.ensani.ir/fa/article/416437/ [In Persian]
- Khamenei, S. (2013/09/05). Statements in a Meeting with Members of the Assembly of Experts. https://farsi.khamenei.ir./speech-content?id=23810 [In Persian]
- Khoshdel-Mofard, H. (2009). Studying the semantic domain of righteous action in the Quran. Journal of *Sciences and Education of the Holy Quran*, 4, 43-60. https://www.sid.ir/paper/500696/fa [In Persian]
- Kulayni, M. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Majlisi, M. (1982). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya’a al-Turat al-Arabi. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. (2009). *Ethics in the Quran*. Qom: Imam Khomeini Institute (RA). [In Persian]
- Mohaddisi, J. (2009). Action, the criterion of faith. *Farhang-e Kowsar*, (78), 8-17. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/449310/ [In Persian]
- Mohseni, M. (1978). *General Sociology*. Tehran: Tahouri. [In Persian]
- MollaShafii, B., Bajat pour, A., & Nasehi, M. (2021). The Pathology of Friendship with Kuffār (Disbelievers) in Islamic Society and the Resolutions for That Based on Sūrah Mumtahinah Using Thematic Analysis. *Transcendent Policy*, 9(32), 25-42. https://sm.psas.ir/article_245045.html?lang=en [In Persian]
- Mostafavi, H. (2014). *Al-Tahqiq*. Tehran: Allameh Mostafavi Works Publishing House. [In Persian]
- Najafi, M. (1986). *Jawaher Al-Kalam* (15 vols). Qom: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. [In Persian]

- Nasiri, M. (2014). Faith from the perspective of Allameh Tabatabaei. *Qabasat*, 19(73), 49-78. https://ensani.ir/fa/article/342597/ [In Persian]
- Nowbari, A., & bayat, H. (2024). The Pattern of Pharaoh's Confrontation with Moses (PBUH) and the Expectant Israelites based on the Analysis of the Content of the Quranic Verses. *Quranic Studies and Islamic Culture*, 8(4), 115-141. https://quranicstudies.ihcs.ac.ir/article_9953.html [In Persian]
- Nobari, A., & Norodini, S. F. (2022). A Communication Behavior Model Based on Social Piety through a Content Analysis of the Quranic Verses on Piety. *Religious Anthroplogy*, 19(47), 187-221. https://raj.smc.ac.ir/article_255015.html [In Persian]
- Nobari, A., & Noureddini, S. F. (2023). Communication Behavior Pattern Based on Hypocrisy, with the Approach of Analyzing the Content of the Verses Related to Hypocrisy. *Quranic Research*, 28(107), 5-36. https://doi.org/10.22081/jqr.2023.65487.3654 [In Persian]
- Qomi, A. (1983). *Tafsir al-Qomi*. Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
- Ragheb Isfahani, H. (1989). *Vocabulary of the Quran*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Persian]
- Salimi, S., Esfahani, S., & Hassannejhad, F. (2020). The Semantic Components of the Word Infaq in the Discourse of the Holy Quran with a Focus on Syntagmatic Relations. *Religious Research*, 19(40), 5-34. http://pdmag.ir/article-1-1131-en.html [In Persian]
- Sayyidan, S. (2001). Monotheism. *Qabasat*, 6(19), 25-33. https://ensani.ir/fa/article/6590/ [In Persian]
- Serajzadeh, H. (2017). Quranic Ethical Statements and Systematizing Them. *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 10(35), 45-64. https://akhlagh.maaref.ac.ir/article-1-347-en.html [In Persian]
- Shamshiri, B., & Shirvani Shiri, A. (2012). The Concept of Patience in Quran; Its Philosophical and Educational Implications. *Islamic Education*, 6(13), 79-98. https://ensani.ir/fa/article/320711/ [In Persian]
- Sharif al-Rezi, M. (1993). *Nahj al-Balagha*. Qom: Hijrat. [In Persian]
- Shojaei, M. (2006). *Trust in God*. Qom: Imam Khomeini Institute (RA). [In Persian]
- Tabatabaei, M. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Qom Seminary Teachers' Association. [In Persian]